

نوبت: صبح □ عصر	نام آموزشگاه:	نام:
ساعت شروع:	سؤالات امتحان درس: املا	نام خانوادگی:
مدت آزمون: دقیقه	امتحان هماهنگ دانش آموزان پایه نهم دوره اول متوسطه	کد کلاس:
تاریخ آزمون: ۱۴۰۰ / ۳ / ۱	نوبت دوم سال تحصیلی ۱۴۰۰ - ۱۳۹۹	تعداد صفحه: ۱

متن املاء

ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی
نروم جز به همان ره که توام راهنمایی
-اگر خواهی به درجهٔ مورچه قناعت کنی، می باش و اگر نه، راهت داده اند تا در بستان معرفت حق تعالیٰ،
تماشا کنی و بیرون آیی؛ چشم باز کن تا عجایب بینی که مدهوش و متغیر شوی.
-دوستان واقعی، راه نیک بختی را به ما نشان می دهند و همراهان خوبی برای شکوفایی بهتر هستند. آنها
مثل آینه، همان قدر که خوبی ها را پیش چشم می آورند، عیب ها را هم به ما می نمایانند و مهم تر آنکه این
همه را بی صدا و بی هیاهو، باز می گویند.
-مصاحبت با یک دوست خوب و شکیبا، همچون وزش نسیم دل انگیزی است که احساس آرامش و سبکی و
صفای درون را در ما زنده می سازد.
-سخن، ناپرسیده مگوی و از گفتار خیره پرهیز کن. چون باز پرسند، جز راست مگوی تا نخواهند، کس را
نصیحت مگوی و پند مده؛ خاصه کسی را که پند نشنود که او خود افتد.
-مهم ترین آموزش غیر مستقیم حافظ این است که به شیوهٔ درست نگاه کردن به زندگی را می آموزد؛ نه
اینکه به ما چند رهنمود و پند تحويل دهد.
-مادر، گرامی گوهری است که در کارگاه آفرینش خدای مهربان، همتایی ندارد. از این روست که هر چیز
گرانمایه را اگر بخواهند از راه همانندی، بزرگ شمارند و عزیز بدارند، به مام یا مادر مانند می کنند.
-کوچه ها و میدان های خاکی شهر تو س، هر روز جایگاه کودکانی بود که گرد هم می آمدند و چند ساعتی
به بازی و شادی و خنده های کودکانه سپری می کردند.
-مرد فقیه مسئله را باز گفت و سپس از جای برخاست و دوست بیمار را ترک کرد؛ هنوز چند قدمی دور
نشده بود که شیون از خانه بیمار برخاست؛ بیمار پاسخ خویش را یافت و آرام و خندان دیده از جهان فرو
بست.
شبی درآمد و چادرش برداشت، خواست نابرد، راه ندید. چادر بر جای نهاد
-مؤمن برای رهایی از گناه و نافرمانی بیش از گنجشک در قفس تلاش می کند.
-ای مفضل، درباره آن صفتی که از میان سایر حیوانات، ویژه انسان است، تفکر کن که آن "حیا" است.
-آوخ که من خواهم گریست! آدم ها این حقیقت را فراموش کرده اند، ولی تو باید هرگز از یاد ببری که
هر چه را اهلی کنی، همیشه مسئول آن خواهی بود.